

مخصوصاً آگه واقعی باشه...

سازندگان «پایان نامه» و رویکرد همراه با تحدید و تهدید

چاپ شده در : روزنامه روزگار

زمان انتشار : خرداد ماه ۱۳۹۰

این یادداشت یکی از بخش های مختلف ستون "میکروسکوپ خصوصی من" بود که عنوان اغلب یادداشت هایم در صفحه آخر روزنامه های "شرق" و "اعتماد" و در همین دوره کوتاه چاپ این مطلب، "روزگار" بوده و هست؛ و با تمام توقیف ها و رفع توقیف های چندین باره این دو روزنامه، مانند فعالیت خود آنها، ادامه یافته است.

*

*

تعبیری که معاونت سینمایی از مفهوم «اظهارنظر شخصی» دارد، از فرط حیرت آوری و یکسویه گی، به شیوه های بازی یکطرفه «نون بیار کباب ببر» همایونی در مجموعه «قهوه تلخ» مهران مدیری پهلو می زند. مثلاً جواد شمقدری آن اظهارنظر مشعشع و منتهی به شکست خود درباب آزاداندیشی لارس فون تریر و دیکتاتورمآبی مسئولان جشنواره کن را غیر شخصی و کاملاً کارشناسانه می داند و آرزوهای فیلمسازان ایرانی برای فراهم آمدن امکان کار برای همتایان محدودشان را سیاسی و ضدامنیتی تلقی می کند. یا علیرضا سجادپور جمله صریح خود درباره این که «دلایل جوایز «جدایی نادر از سیمین» در برلین، دلایلی سیاسی بوده» را لابد نظری در حیطه اختیارات و حتی وظائف مدیر نظارت و ارزشیابی می انگارد ولی در خصوص آن چه فریدون جیرانی در یکی از معدود بارقه های استقلال فردی در برنامه «هفت» درباب همان ستایش شمقدری از ستایش هیتلر توسط فون تریر گفت، به صراحت می گوید که مجری یک برنامه سینمایی تلویزیون نباید به «اظهارنظر شخصی» پردازد!

این روش یکطرفه همان طور که سریال مدیری نشان مان می دهد، برای کس یا کسانی که توان و میزان حق به جانبی لازم برای دفاع از خود را در بحثی ندارند، البته لذتبخش است. در مورد صاحبان فیلم «پایان نامه» که همچنان با رقم فروش بسیار ناچیز بدون هیچ گونه بازی سیاسی از قبیل تحریم و غیره،

انبوهی از سالن های سینما و از جمله ۹ سالن طرف قرارداد فیلم دوست داشتنی «ورود آقایان ممنوع» با این همه تماشاگر مشتاق را به معنای عینی کلمه تسخیر کرده است، دقیقاً همین اتفاق تکرار شد. آنها به عنوان زبردست های مستقیم بدنه معاونت، با همان ادبیات و از همان موضعی در برنامه «هفت» حاضر شدند که یک مقام سیاسی با اطمینان به این که کسی سوال حساس و ویژه ای در یک برنامه گفتگو محور تلویزیونی از آنان نخواهد پرسید، پا به استودیوهای پخش می گذارند. البته معتقدم جیرانی و مسعود فراستی این بار تمام تلاش خود را برای پیش بردن بحث به شیوه سینمایی و بدون کرنش در برابر خواست و ساخت فیلم به دست خود معاونت، به خرج دادند. اما روش ناشی از ضعف استدلال حامد کلاهداری و البته روح ا... شمقدری، به گونه ای بود که به محض پیچ خوردن بحث و بی جواب ماندن سوال جیرانی درباره منطق آن همه بزن و بکش باورناپذیر یا اشاره فراستی به جمله هیچکاک در مورد اهمیت پرداخت بدمن، از جایگاه فیلمساز به موضع مقام امنیتی می چرخیدند و در نتیجه، راهی جز «میمیک» و «نگاه» برای مجری و منتقد برنامه باقی نمی ماند. این اولین و شاید آخرین شب «هفت» بود که می شد سطرهای نانوخته را از ورای نگاه و صورت جیرانی و فراستی خواند. اما روش صاحبان «پایان نامه»، مرا به یاد آن جلسه مشهور نقد سریال تلویزیونی «صاحبدلان» انداخت که وقتی کارگردانش محمدحسین لطیفی در پاسخ به انتقادات معقول مطرح در میزگرد، همین تغییر موضع از جایگاه فیلمساز به کرسی یک مدعی آیات قرآن را نشان داد، رسول صدرعاملی هوشمندانه و با استدلالی انسانی به او گفت که اگر بنا باشد برای توجیه کاستی های کارمان پشت آیات و مقدسات پنهان شویم و بخواهیم با ادعایی مبنی بر این که فیلمنامه این کار از روی خود قرآن نوشته شد، راه را بر هر بحث و نقدی ببندیم، دیگر نیازی به تداوم جلسه نیست!

وقتی شمقدری کوچک در دفاع از سیاست های معاونت شمقدری اصلی، به جای بحث درباره تکنیک فیلم در خلق صحنه های اکشن، ناگهان به سراغ «حرکت در مسیر اهداف نظام» رفت و از ۹ دی حرف زد تا راه

را بر هر نقد تخصصی ببندد، آرزوی کردم مجری و منتقد برنامه چیزی از جنس آن کلام دقیق صدرعاملی می گفتند؛ ولی دریغ. و وقتی هم کلاهداری با شیوه ای که می تواند هر فیلمساز زیرصفری را هم به یک جمله تمجید دلخوش کند، از فراستی خواست که اگر فیلم یک نقطه مثبت داشته، بگوید و او هم در اوج بهت و ناباوری بیننده، ناگهان از مهارت «کارگردانی» فیلمی با این آشفتگی و بی در و پیکری گفت، یاد آن دیالوگ هنری هشتم (رابرت شاو) رو به سِر توماس مور (سِر پل اسکافیلد) افتادم که با هنرمند دانستن خود بعد از تصنیف فقط یک قطعه موسیقی مثلاً شکوهمند درباری، می گفت: «ما هنرمندا تعریف و تمجید رو خیلی دوس داریم؛ مخصوصاً اگه واقعی باشه!» و البته این شهامت را داشت که اقرار کند اگر واقعی هم نبود، رد کن بیاید!!